

بخشی از دیوار نگاره، اصفهان  
(نمایی از سقاخانه اصفهان)



# مطالعه تطبیقی در کاربرد دو اصطلاح «تزیینات معماری» و «دیوارنگاری» در منابع هنر اسلامی<sup>(۱)</sup>

سید محسن علوی نژاد \* دکتر احمد نادعلیان \*\*  
دکتر اصغر کفشچیان مقدم \*\*\* دکتر علی اصغر شیرازی \*\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۴/۴

## چکیده

بررسی مفهوم «تزیینات معماری» و نیز «دیوارنگاری» نشان می‌دهد در چگونگی کاربرد این دو اصطلاح، به ویژه در منابع هنر اسلامی ۲ کاستی‌هایی وارد است که گاه مفهوم هنر را در مصادیق این‌گونه آثار به چالش می‌کشد. این پژوهش در یک روش استدلالی مبتنی بر ریشه‌یابی لغوی و تطبیق مفاهیم و تحلیل مصادیق آشکار می‌سازد بیش تر آثاری که در منابع هنر اسلامی در قالب «تزیینات معماری» معرفی شده، به واقع خود، دیوارنگاره‌هایی به شمار می‌روند که «تزیینی بودن» تنها بخشی از اهداف آن‌ها است. در این منابع، اصطلاح «تزیینات معماری» اغلب به جای «دیوارنگاری» به کار برده شده و «هنر دیوارنگاری» علاوه بر شیوه‌های متنوعی که دارد، به روش‌های خاصی محدود شده است. به این ترتیب بی‌توجه به وجوه بصری و نمایشی هنر دیوارنگاری در این‌گونه آثار، ارزش‌های متعالی آن را در سطح ارزش «هنر تزیینی» معرفی کرده است. در این صورت نه تنها جایگاه هنر دیوارنگاری گذشته ایران به درستی دیده نشده، بلکه معرفی فرهنگ تصویری ایران را در این باره و در عرصه هنرهای تجسمی و معماری (به ویژه هنر ایران و جهان) با کاستی مواجه ساخته است. به همین منظور توجه به عوامل زیر مسیر تازه‌ایی را در مفهوم و کاربرد این‌گونه اصطلاحات ارائه می‌دهد: الف- تعاریف و ویژگی‌هایی که از مفهوم «دیوارنگاری» و «تزیینات» متصور است. ب- ارزش جایگاه آثار تزیینی در حوزه هنرهای تجسمی. ج- تطبیق ویژگی‌هایی که هنر دیوارنگاری نسبت به تزیینات دارد. با توجه به آن چه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت: ۱- برای معرفی عمل آرایه‌های دیواری، اصطلاح «دیوارنگاری» نسبت به «تزیینات معماری» تخصصی‌تر است و جامعیت بیش تر دارد. ۲- مفهوم تزیینات در معماری، شامل مصادیق گوناگونی است که فقط بخشی از آن به آرایه‌های دیواری برمی‌گردد. ۳- اثر «تزیینی» ویژگی‌هایی دارد که تنها در برخی از این آرایه‌ها دیده می‌شود. ۴- اغلب آرایه‌هایی که با شیوه‌های متنوع، سطوح بناها را پوشش داده‌اند، در واقع مصداق بارز هنر دیوارنگاری هستند.

## واژگان کلیدی

هنر دیوارنگاری، تزیینات معماری، هنر اسلامی، معماری اسلامی، هنر ایرانی - اسلامی.

\* دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران Email: malavii2002@Yahoo.com

\*\* استادیار و هیأت علمی دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران Email: nadalian@Yahoo.com

\*\*\* استادیار و هیأت علمی دانشکده پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران

Email: kafshcian@Yahoo.com

\*\*\*\* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران Email: a-shirazi41@Yahoo.com

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان تبیین مبانی دیوارنگاری ایرانی در فضاهای شهری ایران معاصر می‌باشد.

۲- مراد از منابع هنر ایران- اسلامی، مجموعه کتاب‌هایی است که به موضوع هنر و معماری و به ویژه موضوع تزیینات معماری ایران- اسلامی پرداخته‌اند، از جمله: مجموعه A Survey of Persian Art از Pope, Architecture بویده بخشی که به پرداخته است و نیز ترجمه‌هایی از این آثار، چون: معماری ایران ترجمه غلامحسین صدری افشار. کتاب Islamic Architecture از A. Papadopoulou و ترجمه آن، از دکتر چشمست جزئی؛ معماری و تزیینات اسلامی از Derek Hill، architecture form, function, and Hillenbrand از meaning Robert و ترجمه این منبع با عنوان: معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی از جمله: به ترجمه دکتر باقر آیت‌الله زاده شیرازی و ترجمه دکتر ایرج اعتصام با عنوان: معماری اسلامی: فرم، عملکرد و معنی و Architecture of the Islamic world و نقش‌های هندسی در هنر اسلامی، نوشته: عصام السعید و عشیه، تاریخ هنر ایران - هنر اسلامی از ارنست کونل، هنر ایرانی از زکی محمدحسن، هنر اسلامی و روح هنر اسلامی و دیگر آثار در این باره از تیتوس بوکهارت، تزیینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی به کوشش محمدیوسف کیانی و بسیار پژوهش‌گرانی که در آثارشان به نوعی به موضوع تزیینات معماری اسلامی پرداخته‌اند، چون: دکتر محمد رنجبر کرمانی، جرجی زیدان و غیره که امکان معرفی تمام آن میسر نمی‌باشد.





۲-۱



۱-۱



۴-۱



۳-۱



۶-۱



۵-۱

همیشه زنده)  
 ۳-۱: دیوارنگاره، شام آخر اثر داوینچی، فرسک (Thames and Hudson، ۳۵)  
 ۴-۱: دیوارنگاره، چهلستون اصفهان، دوره صفوی (نگارنده، ۱۳۹۰)  
 ۵-۱: دیوارنگاره، کلیسای سیستین، اثر میکل آنجلو (Thames and Hudson، ۳۹)

مجموعه تصاویر ۱- نمونه هایی از هنر دیوارنگاری با توجه به دو فرهنگ، ایران و اروپا  
 ۱-۱: دیوارنگاره، گنبد مسجد شیخ لطف الله اصفهان، دوره صفوی، ترکیب آجر و کاشی (پاپادوپولو، ۱۹۷۹، ۳۷۱)  
 ۲-۱: دیوارنگاره، محراب اولجایتو، اصفهان، دوره آل بویه، گچ (گچبری)، (عکس از رضا نوربختیار، اصفهان موزه

تزیینی. (فرهنگ فرانسه به فارسی) بیان شده است. امروزه این واژه در زبان و فرهنگ معاصر ایران با همین تعابیر شناخته شده و به گونه‌ای رایج است که با نگارش اصلی خود و گاه در ترکیب با کلمات فارسی هم به کار برده می‌شود. چون: دکوری (اشیاء و مجسمه)، دکوراسیون داخلی، دکوربندی، دکورسازی و غیره که در اصطلاح بیان می‌شود: «شیوه‌ای در ترکیب‌بندی که لذت بصری صرف ایجاد کند. (پاکباز، ۱۳۸۳، ۱۶۴) کاربرد و جایگاه این واژه در حوزه هنر و هنرهای تجسمی با تعبیر Decorative Art بیان شده است. هنری که در طراحی آن بیش تر توجه به صورت ظاهر، مرئی و دیداری است و حدود کاربرد آن شامل بنا، اشیاء تزیینی و کاربردی، اثاثیه، ظروف، پارچه و... تعریف شده است. (نمونه‌ای از تعریف باتوجه به متن اصلی)

Decorative Art, any of those arts that are concerned chiefly with the design and decoration of objects that are chiefly prized for their utility, rather than for their purely aesthetic qualities. Ceramics, glassware, basketry, jewelry, metalware, furniture, textiles, clothing, and other such goods are the objects most commonly associated with the decorative arts. (The Dictionary of Art → Decorative Art)

با این وجود ترکیب «Architecture Decoration» بیش تر متوجه عملکرد و سبکی به نظر می‌رسد که در راستای صورت ظاهر و زیباسازی بنا متمرکز است تا مبتنی بر اهداف زیبایی‌شناسانه و زیبایی‌شناختی باشد. به همین علت ارزش و مرتبه هنری این گونه آثار، در قیاس با دیگر مصادیق هنرهای تجسمی اهمیت کمتری دارد.

#### جایگاه تزیین و هنرهای تزیینی در عرصه هنر جهانی (از منظر هنرهای تجسمی)

در دانش‌نامه ویکی‌پدیا، در تعریف و بیان جایگاه این هنر آمده: «هنرهای تزیینی» Decorative Art «عبارتی مرسوم برای شماری از هنرها و صناعت‌ها برای ساخت آثار زینتی یا کاربردی است که دامنه وسیعی از مواد از جمله سرامیک، چوب، شیشه، فلز، منسوجات و غیره را شامل می‌شوند. به

متعالی قائل هستند، چنان چه گفته شده: «در زبان عربی ماده (زین) در مقابل ماده (شین) است؛ به معنای کارها و چیزهایی است که عیب و نقص را از بین ببرد، (شین) به معنای هر چیزی است که مایه رسوایی، نقص انسان و نفرت اشخاص از او بوده باشد... و در «مفردات راغب در معنای کلمه «زین» گفته است: «زینتی حقیقی است که انسان را در هیچ یک از حالاتش معیوب نسازد، نه در دنیا و نه در آخرت و اما چیزی که در حالتی انسان را زینت می‌دهد و در حالات دیگر نه، (برای او عار است) (زینت حقیقی) نیست». (انصاری، ۱۳۸۱، ۶۲) این واژه در قرآن متعدد به کار رفته، «در چهل و دو آیه از آیات قرآن کریم کلمه زینت و مشتقات آن چهل و شش بار آمده». (همان) در حکمت و معارف قرآنی افزون بر بار معنایی مثبت، در مواردی نیز بار معنایی منفی داشته و نیز از ابزار شیطان برشمرده می‌شود. بنابراین در جایگاه حقیقی، به سنت الهی اشاره دارد و با صورت تزیینی مجازی صرف مغایرت داشته و این‌گونه تزیین را از عالم ظاهر بیان می‌کند و مصداق تزیین حقیقی محسوب نمی‌شود و از این رو غیرماندگار خواهد بود. از این رو درمی‌یابیم واژه تزیین و تزیینات در ترکیب با معماری در فرهنگ ایران-اسلامی، علاوه بر جنبه‌های فیزیکی و صورت‌ظاهری که خود بسیار متنوع است، می‌تواند بر صورت باطنی و جنبه‌های معنوی و روحی معماری اشاره داشته باشد که از این جهت با معنای Decoration تفاوت‌هایی دارد.

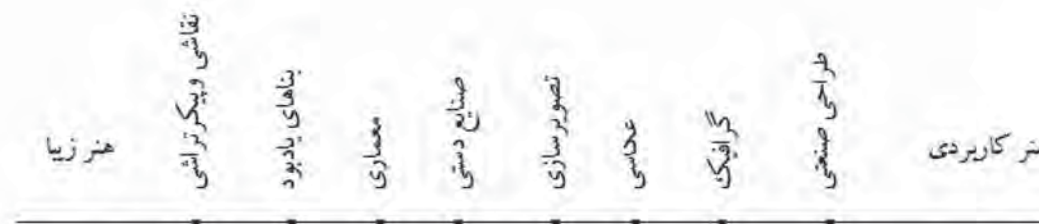
#### تزیین<sup>۲</sup> (Decorative)

از دیگر تعاریفی که برای تزیین قابل توجه است واژه Decoration و واژگانی چون: Ornament<sup>۱</sup> و Embellishment<sup>۳</sup> می‌باشد. واژه Decorative Art «در اصطلاح فرانسوی و از Decor به معنای «۱- تزیین، دکوربندی خانه ۲- (تاتروسینما) صحنه‌پردازی». (فرهنگ فرانسوی- فارسی) و «زینت، زیور، آذین، آذین‌بندی و به صورت ظاهر گفته شده». (فرهنگ معاصر هزاره و فرهنگ عمید) و نیز «مجموعه ساختمان، اشیاء، اثاثه و عوامل دیگر تزیینی در صحنه نمایش و مانند آن.» (معین) را گفته‌اند. همچنین Decorative به معنی زینتی و

۱- زینت حقیقی یعنی زینتی که دقیقاً منطبق با ابعاد وجود هر اثری باشد، با آن عجین گردد و با معنی زیبایی یکی باشد. هرگاه به عنوان یک چیز زائد، اضافی و بی‌ارتباط با ابعاد وجودی اثری باشد، زینتی مجازی است که (چشم فریبی) بیش نیست. (انصاری، ۱۳۸۱، ۵۹)

۲- Ornament به معنای تزیین تعریف می‌شود. (مرزبان، فرهنگ مصور هنرهای تجسمی) - «تزیینی» که تعریف شده:

این اصطلاح را Decorative گویند و برای توصیف آن‌گونه هنری است که متناسب برای فضای خاص و هماهنگ با طرز آرایش و سبک اشیای موجود در آن فضا طراحی شده، امروزه بیشتر در مورد ترکیب‌بندی‌های متشکل از سطوح رنگی تخت و شکل‌های ساده شده به کار برده می‌شود. (پاکباز، ۱۶۵ و صدر، ۱۹۶)





۲-۲



۴-۲



۶-۲



۷-۲



۱-۲



۳-۲



۵-۲

- ۴-۲ - بخشی از محراب اولجایتو، مسجد جامع اصفهان
- ۵-۲ - بخشی از برج سرخ مراغه
- ۶-۲ - بخشی از دیوارنگاره‌های مدخل ورودی مسجد شیخ‌الطف‌الله اصفهان. (ماخذ تصویر: نگارنده)
- ۷-۲ - مسجد حکیم اصفهان (ماخذ تصویر: نگارنده)

- مجموعه تصاویر شماره ۲ - نمونه دیوارنگاره‌های ایران - اسلامی که به عنوان تزیینات معماری مرسوم است. تصاویر از بالا به پایین:
- ۱-۲ - مدخل ورودی مسجد حکیم اصفهان معروف به جورجی (ماخذ تصویر: نگارنده).
- ۲-۲ - مدخل ورودی مسجد جامع عباسی اصفهان. (نوربختیار، ۴۷)
- ۳-۲ - مناره مسجد نور (پاپادوپلو، ۳۳۸)

نهایتاً در ارزش یک «هنر تزیینی» معرفی می شود که پایین ترین مرتبه هنری را دارد.

### دیوارنگاری

اصطلاح «دیوارنگاری» از واژگان رایج در هنر ایران است و به عنوان یکی از گرایش های هنر نقاشی مطرح و اغلب در ارتباط و هماهنگی با محیط انجام می شود. هرچند کاربرد امروزه این هنر در ایران روند مشخصی ندارد، اما برخلاف تزیینات معماری، تعریف نسبتاً مشخص و جامعی را ارائه می دهد. واژه دیوارنگاری اصطلاحی فارسی و از نظر اشتقاق، مرکب و از سه جزء ترکیب شده است: دیوار (اسم <دهخدا>) + نگار (بن مضارع <دهخدا>) + ی (مصدر ساز <دهخدا>) که دلالت بر فرایند عملی است که ترکیبی از نقش، نگار، نوشته و هر چیزی بدین کیفیت را در یک سامانه تجسمی در تعامل با محیط، معماری و مخاطب بر روی سطح دیوار، یا همانند دیوار پدید می آورد. نظر به اجماع تعاریف فرهنگ و اصطلاحات هنری فارسی و لاتین می توان چنین استنتاج نمود که: «۱- دیوارنگاری قائم به مواد و تکنولوژی خاصی نمی باشد و نمی توان دیوارنگاری را صرفاً محدود و محصور یک تکنولوژی، یک ماده، یک ابزار، موضوعی خاص و جغرافیایی خاص تعریف کرد.

۲- «دیوارنگاری»، «نقاشی دیواری» و «دیوارنگاره» به لحاظ محتوایی هم معنی و مترادف هم هستند با این تفاوت که دیوارنگاری به لحاظ واژه شناسی فارسی دلالت بر عمل و فرایند اثر دارد؛ نقاشی دیواری هم بر فرایند شکل گیری اثر دلالت دارد و هم بر خود اثری که بر دیوار (یا همانند آن) کشیده و یا نصب شده است و دیوارنگاره، تنها دلالت بر خود اثر می کند. «دیوارنگاری» و «دیوارنگاره» مشتق از ترکیبی فارسی و «نقاشی دیواری» ترکیبی از عربی و فارسی است.

۳- «دیوارنگاری»، «نقاشی دیواری» و «دیوارنگاره» به لحاظ معنی و محتوا، معادل واژگان، Wall Painting، Mural Painting و Mural در لاتین تعریف شده اند. (علوی نژاد، ۱۳۸۷، ۲۰)

۴- آراستن و تزیین محیط و بنا به عنوان، یکی از اهداف و جنبه های هنر دیوارنگاری بیان شده، مزید بر این که در دایره المعارف بریتانیکا نقاشی دیواری را علاوه بر آراستن محیط، شکلی در بیان احساسات، عقاید و تفکرات نیز بر شمرده است. (تعریف باتوجه به متن اصلی)

Mural Painting: Mural Painting has its roots in the primeval instincts of people to decorate their surroundings and to use wall surfaces as a form for expressing ideas, emotions, and beliefs." (See Britannica → Forms of Painting, 329)

### دیوارنگاری از نظر ویژگی ها

افزون بر تعاریف بالا، وابستگی مستقیم این هنر با محیط،

طور کلی عبارت هنرهای تزیینی چندان برای آثار جدیدی که «طراحی» خوانده می شوند، به کار نمی رود. در تاریخ هنر، عبارت هنرهای فرعی (یا به تعبیر دیگر، هنرهایی که از اهمیت و مرتبه پایین تری بودند) را اغلب برای هنرهای تزیینی استفاده می کردند. (Wikipedia) در این باره اسناد قابل توجهی از گذشته نزدیک می باشد که در این جا به ذکر چند نمونه اشاره می شود. «در سلسله مراتب هنر اروپایی، بهره برداری (نقاشی) و مجسمه سازی بالاترین مرتبه را دارا می باشند و «هنر مطلق» خوانده می شوند حال آن که معماری چون مشروط به ضرورت های فنی است، در مرتبه پایین تری واقع می شود، شان هنرهای «تزیینی» از آن هم نازل تر است.» (بوکهارت، ۱۳۷۰، ۳۰)

ارزش گذاری است که مشخص می کند مرتبه انواع مختلف هنرهای بصری در سلسله مراتب ارزشیابی میان هنر کاربرد و هنر زیبا در هنر معاصر چگونه است. نمودار ۱، بیان گر این سلسله مراتب در فرهنگ معاصر غرب و اروپا است. (دونیس، ۱۳۶۸، ۲۱) «برای ذهن غربی در سده دوازدهم واژه هایی مانند «تزیین» و «نقش و نگار» اغلب حاکی از چیزی کم اهمیت است.» (پوپ، ۱۳۶۶، ۱۳۲) بنابراین در یک جمع بندی کلی از تعاریف ارائه شده می توان چنین استنتاج مستدلی را در باره تزیین و تزیینات معماری به دست آورد:

### در یک جمع بندی کلی می توان چنین نتیجه گرفت:

۱- مفهوم «تزیین» در فرهنگ ایرانی ضمن اشاره به جنبه های دیداری و مرئی هم چون زیبایی های ظاهر و باطن، به عنوان زینت حقیقی هم اشاره به مرتبه ای متعالی دارد که از این جهت، تنها از جنبه ظاهری و دیداری با معنای Decoration تشابه داشته و به دلیل جایگاه کلی، تفاوت ریشه ای ناشی از دو فرهنگ را نشان می دهد.

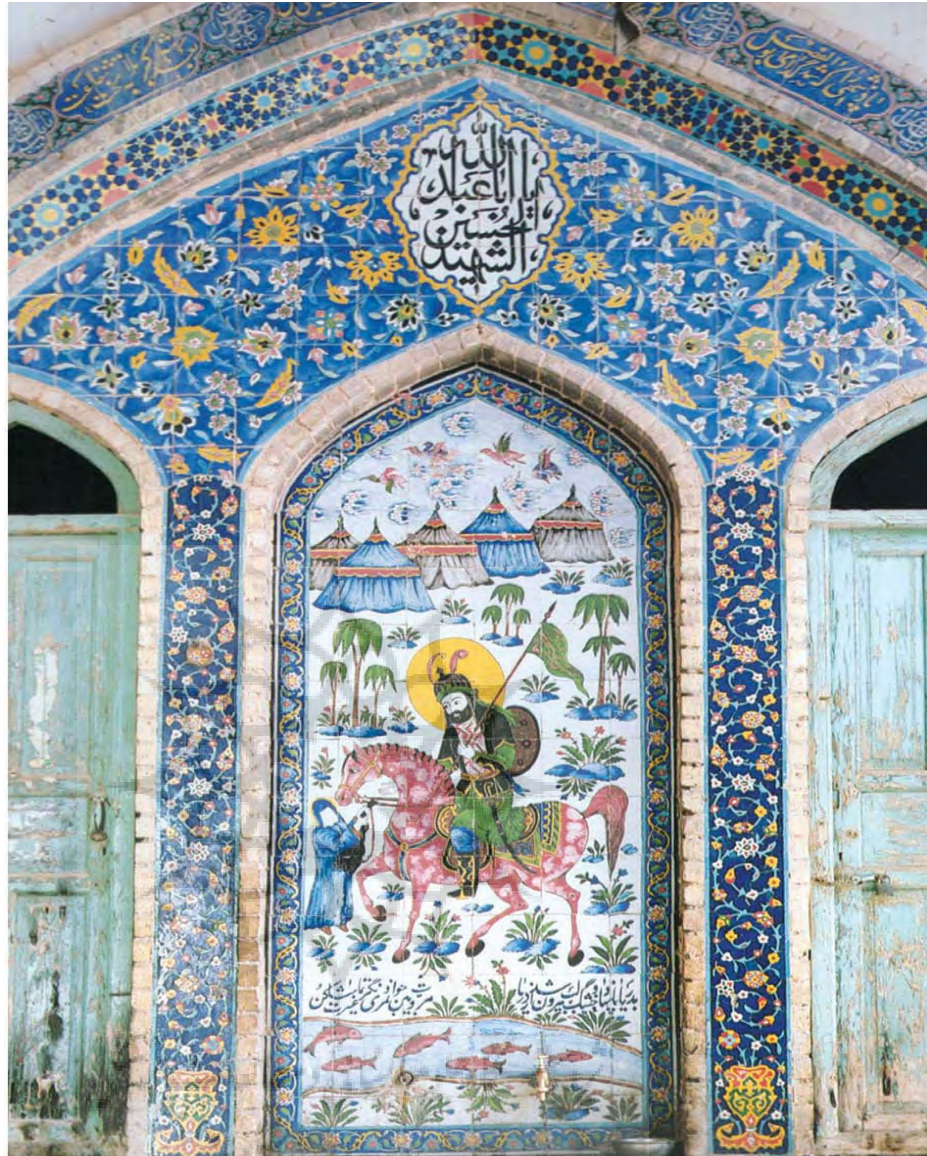
۲- واژه Decoration، اغلب اشاره به جنبه های دیداری و مرئی دارد.

۳- در حوزه تجسمی عملکرد «هنر تزیینی» فراتر از حوزه معماری است و مرتبه و جایگاه هنری آن، در قیاس با دیگر آثار تجسمی چون: نقاشی، مجسمه سازی، معماری و غیره، از مرتبه پایین تری برخوردار است.

۴- اصطلاح «تزیینات معماری» بیش تر یک توصیفی عام و کلی بوده و شامل تمام چیزها و مفاهیمی است که به نوعی برای بنا و معماری «تزیین و تزیینی» محسوب می شوند. بنابراین گستره آن مزید بر دیوار و سطوح بنا، اثاثیه، اشیاء و مبلمان معماری و دیگر چیزها را شامل می شود، به همین دلیل منطقی و اصولی نیست که کاربرد این ترکیب صرفاً به منظور آرایه ها در سطوح بنا باشد.

۵- آثار هنر ایرانی، که فقط با این اصطلاح تعریف شده و می شوند- هرچند از نگاه هنری، اثری ناب و بسیار متعالی باشند- جایگاه و ارزش هنری آن ها در عرصه هنر جهانی،

۱- اگر بخواهیم این وضعیت را در دوره فرهنگی دیگری ارائه کنیم، نمودار تغییر می کند، مثلاً برای دوره قبل از رنسانس از زیبایی به کاربردی به شکل معماری، پیکره تراشی، نقاشی و صنایع دستی و به نظرگاه مکتب باوهایس، میان زیبا و کاربردی بودن هنر، تفاوتی کیفی نبوده و کلیه رسته های هنری روی یک نقطه مرکزی و به صورت متصله نشان داده می شود. (برگرفته از کتاب مبادی سواد بصری نوشته: دونیس اادانیدیس، ۱۳۶۸، ۲۰، ۲۱)



تصویر ۱-۳



تصویر ۳-۳



تصویر ۲-۳

۱-۳- نمایی از سقاخانه، اصفهان (ماخذ تصویر: نوربختیار، ۲۵)  
 ۲-۳- بخشی از دیوارنگاره‌های چهل ستون اصفهان (پاپادوپولو، ۴۳۵)  
 ۳-۳- بخشی از مدخل ورودی دهنه قیصریه، میدان نقش جهان اصفهان (ماخذ تصویر: نگارنده)

مجموعه تصاویر ۳- (نمونه دیوارنگاره‌های ایران-اسلامی که با روش کاشی‌کاری کارشده، برخی به نمونه‌هایی که درون‌مایه پیکره‌نما و طبیعت‌گرایانه دارد، کاشی‌نگاری و غیر از آن را کاشی‌کاری گفته‌اند).



۳- تزیینات معماری دلالت بر کلیتی دارد که دیوارنگاری‌ها تنها بخشی از آن هستند و واژه تزیینات از نظر مفهوم و معنا قادر نیست به کلیت قابلیت‌هایی که در هنر دیوارنگاری وجود دارد، اشاره داشته باشد.

### کاربرد دو اصطلاح «تزیینات معماری» و «دیوارنگاری» در منابع هنر ایران- اسلامی از نظر معنایی

بر خلاف تعاریف پیش‌گفته، به نظر می‌رسد ملاک کاربرد این دو اصطلاح در منابع هنر ایران، بیش‌تر از آن‌که مبتنی بر ریشه معانی و مفاهیم آن در فرهنگ ایران و هماهنگ با زبان بین‌المللی باشد آمیخته در تعابیر غربی‌ها، ترجمان تحت‌اللفظی متون غربی، خودباختگی فرهنگی، باورها و گاه تعصب‌هایی است که دیری است به آن‌ها گرفته‌ایم و همواره نابسامانی‌هایی را نشان می‌دهد که در این جا به نمونه‌های اساسی‌تر آن اشاره می‌شود:

### تعابیر گوناگون بر عمل دیوارنگاری و دیوارنگاری محدود به شیوه‌های خاص

یکی از کاستی‌های فرهنگ هنرهای تجسمی ایران و همچنین منابع مربوطه، در باره تعابیر مختلفی است که برای عمل دیوارنگاری یا آرایش‌دادن دیوار و دیواره‌ها به کار برده می‌شود و این که روند واحدی را نشان نمی‌دهد. از جمله تزیینات معماری، آرایه‌های معماری، آرایش معماری، تزیینات اسلامی، سبک ایرانی، دیوارنگاری، دیوارنگاره، نقاشی دیواری، نقاشی روی دیوار و غیره. بعضی از تعابیر با توجه به شیوه‌ها و روش‌های اجرایی آثار انتخاب شده، مانند فرسک، موزاییک، نقش برجسته، تزیینات گچ‌بری، کاشی‌کاری، آجرکاری، کاشی‌نگاری، آینه‌کاری و کتیبه‌نگاری. برخی هم بر اساس شیوه‌های طراحی و نیز درون‌مایه آثار نام برده می‌شوند، مانند نقوش اسلامی، نقاشی ایرانی، نقوش تزیینی، نقوش انتزاعی، خوشنویسی. آن‌چه در این میان مشکل به نظر می‌رسد، تکرر واژگان نیست، بلکه عدم وحدت کلامی و مفهومی است که به این جمعیت پراکنده، سامان واحد ببخشد، نخست در یک شاخه تخصصی و مشخص هنری تعریف ارائه کند و سپس در برگرفته و جامع چنین عملی باشد. اغلب این واژگان در مقام توصیف کلی، یا بیان یک مورد جزء درست به نظر می‌رسند، اما در نگاه تخصصی و عمیق دارای ابهام و سؤال برانگیز هستند. برای مثال تزیینات اسلامی، تزیینات معماری، نقوش تزیینی و از این‌گونه اصطلاحات که اغلب به این منظور به کار برده شده، در واقع یک توصیف و مفهومی بسیار عام و کلی و گاه نسبی و موردی دارند و نه تنها دلالت به عمل دیوارنگارانه، بلکه در شاخه و حوزه‌های دیگری هم، تعریف‌پذیر هستند. بنابراین به نظر می‌رسد کاربرد این گونه واژگان در مقام و تعریف یک شاخه تخصصی، همواره با ابهام روبه‌روست. از نمونه‌های دیگر ترکیب‌های لغوی هم چون: کاشی‌کاری، گچ‌بری، تزیینات گچ‌بری و نظایر آن اغلب به شکلی مستقل و بدون توجه

معماری و مخاطب ویژگی‌های منحصر به فردی را برای این شاخه هنری شکل داده تا بتواند در پاسخ به نیازهای دیداری محیط، چون زیباسازی، به شکلی مطلوب برآید؛ از این رو توجه به جایگاه این هنر، با مفهومی چون «تزیینات معماری» بسیار قابل توجه است. در دانش‌نامه Art & Artist افزون بر این که دیوارنگاری نوعی از تزیینات معماری نامیده شده، به نظر می‌رسد موقعیت این هنر در وجوه مختلف فضاها (متصل و منفصل) گسترش داده و نوشته شده این شاخه هنری علاوه بر بهره‌برداری از ویژگی سطح دیوار، می‌تواند سطح جدیدی را در فضا ایجاد کند. (تعریف با توجه به متن اصلی)

Mural painting: ... a type of architectural decoration which can either exploit the flat character of a wall or create the effect of a new area of space. (See Art & Artist → Mural Painting, 255)

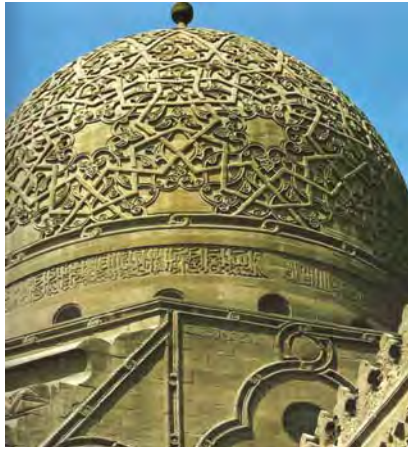
در دایره‌المعارف بریتانیا در معرفی این ویژگی‌ها آمده: «نوعی از نقاشی است که برای تزیینات روی دیوارها و سقف بنا به کار می‌رود... و عناصر اثر دیواری اغلب شکل‌هایی (form) هستند که با معماری هماهنگی و پیوستگی داشته و به طور خاص رنگ در آن همانند موضوع رابطه‌ای پنهان و حسی با تناسبات معماری دارد، به این ترتیب این نوع نقاشی را می‌توان تنها نوع نقاشی سه‌بعدی نامید که سعی در هماهنگی با محیطی دارد که در آن قرار می‌گیرد. ویژگی عمده آن نیز غیر از رابطه تنگاتنگ با معماری، ارتباط وسیع و همگانی آن است.» (کفشچیان مقدم، ۱۳۸۲، ۲۰)

بنابر این با توجه به آن‌چه از تعاریف به دست آمد می‌توان در باره چگونگی ارتباط تزیینات معماری و دیوارنگاری بیان کرد:

۱- هنر دیوارنگاری با مقوله تزیینات معماری رابطه مستقیم دارد و در تعارض و تقابل با آن نیست، زیرا یکی از جنبه‌های بارز هنر دیوارنگاری آراستن و زیبایي محیط و معماری است.

۲- مفهوم تزیین و تزیینات معماری (به معنای زیبایی و زیباسازی محیط) را می‌توان با هنر دیوارنگاری در دو مفهوم کلی و مجزا از هم تعریف نمود. نخست آن‌که تزیین و تزیینات در معماری به منظور توصیفی کلی که کیفیت زیبایی‌شناسانه و تجسمی معماری را بیان می‌کند، یعنی بخشی از اهداف و تخصص هنر دیوارنگاری در پاسخ به همین موضوع بیان شده است. (البته از جنبه ارزش‌های ناب هنری، کیفیت آثار متغیر و یک امر نسبی به نظر می‌رسند). از منظر دیگر، تزیینی به مفهوم بیان و درون‌مایه اثر دیوارنگاری است و اشاره به نوع بیان نمایشی اثر دارد، همان‌گونه که می‌تواند شعاری، تاریخی، حماسی، کودکانه و غیره باشد. در این صورت موضوع تزیینی، متناسب با شرایط و موقعیتی که در هماهنگی با محیط و مخاطب ارزیابی شده، برای اثر دیوارنگاره انتخاب می‌شود.

۱- تزییناتی چون، آجرکاری، گچ‌بری، کاشی‌کاری، حجاری، منبت‌کاری، آینه‌کاری و نقاشی، در تمام در تمام انوار اسلامی رواج داشته و غیره. (کیانی، ۱۳۷۶، ۹)



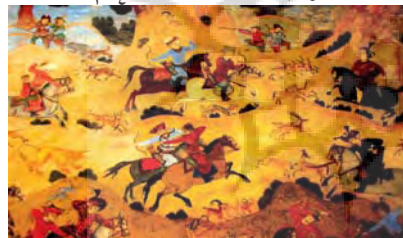
۱-۴



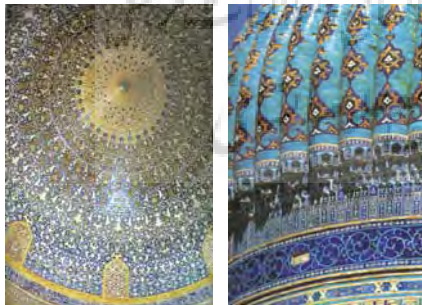
۳-۴



۲-۴



۴-۴



۶-۴

۵-۴

مجموعه تصاویر ۴- نمونه‌هایی از هنر دیوارنگاری با توجه به دو فرهنگ متفاوت ایران و اروپا

- ۱-۲: دیوارنگاره، گنبد سلطان گایت بای، دوره اسلامی، آجر
- ۲-۲: دیوارنگاره، کلیسای سیستین، اثر میکل آنجلو (Thames and Hudson)
- ۳-۲: دیوارنگاره، اثر جوتو
- ۴-۲: دیوارنگاره، سقف مسجد شیخ لطف الله، صفوی، کاشی
- ۵-۲: دیوارنگاره گنبد، دوره تیموری
- ۶-۲: دیوارنگاره، ورودی قیصریه، صفوی، (نگارنده ۱۳۹۰)

به جنبه دیوارنگارانه به کار برده شده‌اند. در واقع در این باره کاشی‌کاری، گچ‌بری، تزیینات گچ‌بری، آجرکاری، تنها اشاره به شیوه اجرایی آثاری دارد که در اصل دیوارنگاری هستند و مزید بر جنبه فنی (که بخشی از فرایند اثر است)، جنبه هنری (زیبایی‌شناسی) و مدیریت محیط قرار دارد که هر کدام به نوبه خود، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و کیفیت اثر داشته‌اند که کاربرد چنین واژگانی بدون توجه به عمل دیوارنگارانه (دیوارنگاری) آن، یعنی نادیده گرفتن دیگر جنبه‌ها که موجب شده بسیاری از شایستگی‌ها و به ویژه ماهیت هنری و اصالت طراحی در این آثار آن چنان که باید شناخته نشود و در عرصه فرهنگ هنر و تجسمی ایران و جهان در جایگاه اصلی خود که همان هنر دیوارنگاریست قرار نگیرد. افزون بر این که به روشنی مشخص است در این موارد، قصد مولف از کاشی‌کاری، آجرکاری و غیره. جنبه هنری آن آثار یعنی هنرکاشی‌کاری و هنر آجرکاری بوده است.

به این ترتیب به نظر می‌رسد راهکار زیر تخصصی، کارشناسانه و اصولی‌تر است که به جای «کاشی‌کاری دوره صفوی»، «دیوارنگاری‌های دوره صفوی که با کاشی کار شده» و نیز به جای «تزیینات مسجد جامع عباسی» «دیوارنگاری‌های مسجد جامع عباسی» و غیره مورد استفاده قرار گیرد.

### تزیینات معماری و دیوارنگاری در دو شیوه اجرایی متفاوت

باتوجه به هدفی که در این منابع دنبال شده و کثرت واژگان، می‌توان آن‌ها را در دو دسته‌کلی قرار داد. گروهی که در اقلیت هستند و با عنوان دیوارنگاری (Mural) نام برده می‌شوند و واژگانی مترادف با آن مانند نقاشی دیواری، دیوارنگاره، کاشی‌نگاری و غیره را در بر می‌گیرند. (تصویر ۱) دسته دیگر که اکثریت را به خود اختصاص می‌دهند در زیرمجموعه تزیینات معماری (Architectural Decoration Ornamental Design) و واژگان هم‌معنایی چون تزیینات اسلامی، تزیینات گچ‌بری، کاشی‌کاری و غیره را در بر می‌گیرند. (تصاویر ۲) در این منابع، دیوارنگاری و تزیینات معماری مانند دوشیوه عملی مجزا محدود شده و گاه در مقابل هم معنا می‌یابند. به‌گونه‌ای که هر کجا اثر دیواری، پیکرنا- فیگوراتیو- و شبیه به آن باشد، از اصطلاح دیوارنگاری یا واژگان مترادف آن و در غیر این صورت از تزیینات معماری یا واژگانی از این دست استفاده شده است.

بر این اساس کاشی‌کاری‌های مسجد جامع عباسی اصفهان، گچ‌بری محراب اولجایتو و از این دسته آثار تزیینات معماری تعریف شده و دیوارنگاری به حساب نمی‌آیند؛ یا زمانی که به تعریف چنین آثاری در چهل‌ستون اصفهان پرداخته شده، اثر جنگ نادرشاه افشار و پیکره زنان، به عنوان یک اثر دیوارنگاری و یا نقاشی دیواری

Arthur Upham Pope-۱  
متسولد ۱۸۸۱ و متوفی ۱۹۶۹ میلادی، «سورخ شه‌بیر آمریکائی کسی که نخستین بار گزارشی مفصل از هنر و تاریخ هنر ایران را به جهان غرب معرفی نمود» (Wikipedia- Pope)

تعریف شده و دیگر آثاری که در ترکیب و طرح آن ها از گل و مرغ و طرح اسلیمی و ختایی ها و غیره استفاده کردند، به تزیینات معماری تعبیر شده اند. در مواردی این دو مفهوم به طور کامل در مقابل هم و در مقام نقد، در پیشرفت و افول یکی بر دیگری به کار برده شده اند. برای نمونه به این جمله توجه کنید: «هنر دیوارنگاری در عهد اسلامی رونق و دوام چشم گیری نیافت و کم کم جای خود را در بناها به تزیینات گچ بری و خوش نویسی داد.» (آشنایی با مکاتب نقاشی، ۱۳۸۴، ۹) به روشنی در این جمله، دیوارنگاری و تزیینات گچ بری در مقابل هم و به عنوان دو روش و شیوه ای عملی جدا بیان شده در حالی که گچ بری خود شیوه ای از دیوارنگاری است و درست این بود که نوشته می شد: هنر دیوارنگاری در عهد اسلامی با شیوه ها و درون مایه های نوینی چون گچ بری، خوشنویسی و غیره تحول چشم گیری پیدا نمود. در واقع اگر نپذیریم گچ بری، کتیبه نویسی و غیره که روی دیوارها کار می شوند، نوعی دیوارنگاری هستند، چه تعریفی برای دیوارنگاری خواهیم داشت؟ واژه «کاشی نگاری» و «کاشی کاری» نیز از دیگر مواردی است که به نظر متاثر از همین دیدگاه شکل گرفته اند. به نظر می رسد این واژه برای اولین بار در مقاله (دیوارنگاری در دوره قاجار) از دکتر یعقوب آژند، به کار گرفته شده که: «کاشی نگاری نوع دیگری از نقاشی دیواری بود که آثاری از آن به وفور از دوره قاجار بازمانده است. کاشی نگاری کاربردی وسیع داشت. از آن در مساجد، مدارس، حسینیه ها و تکایا، امامزاده ها، حمام ها، کاخ ها، اندرونی و بیرونی خانه های اعیان، بازارها و تیمچه و عمارات دیگر شهرهای مختلف استفاده می کردند. مضامین و موضوعات کاشی نگاری ها متنوع بود. مضامین مذهبی، رزمی (افسانه ای و تاریخی) بزمی و تزیینی (گل و مرغ و دورنما سازی) از جمله آن بود.» (آژند، هنرهای تجسمی، ش ۲۵) بنابراین با توجه به این تعریف در می یابیم انتخاب واژه کاشی نگاری، مربوط به نوع درون مایه و طراحی (پیکره نما و فیگوراتیو) این آثار است. زیرا مواد و مصالح در هر دو (کاشی نگاری و کاشی کاری) مشترک و قابل توجه است، کاشی نگاری نوعی از نقاشی دیواری شمرده شده و پیرو آن کاشی کاری چیزی جدا از آن به نظر می رسد. (تصویر ۳)

این که این چنین تقسیم بندی متاثر از چه موضوعی است و چه تعبیری در این مورد صحیح تر می باشد؟ پرسشی است که تلاش شده افزون بر مواردی که تاکنون بیان گردیده در این قسمت به آن پرداخته شود. به نظر می رسد دیدگاه و داوری مولفین و پژوهشگران تاریخ هنر ایران در این باره یکی از مهم ترین دلایل است.

#### مولفین و مترجمین

«تاریخ هنر ما را تاکنون مستشرقین و هنر شناسان غرب نوشته اند و به کنایه و تصریح و اشاره و تلویح، افکار و

اندیشه ها و تصرفات فرهنگی خود را به نوعی در این نوشته ها دخالت دادند» (آژند، ۱۳۸۳، ۱) به نظر می رسد پژوهشگران هنر ایران به طور کلی عمل دیوارنگاری را در بررسی های نخست در دو کیفیت هنری «Mural» و «Decoration» قرار داده و ملاک این داوری بیش تر مبتنی بر باور و تجربه آن ها از هنر نقاشی پیشین اروپا بوده تا تحولاتی که امروزه بعد از جنبش های هنری سده بیستم در هنرهای تجسمی شکل گرفته و البته نه مفهومی که بتوان با معنای Decoration قیاس نمود. اغلب این محققین آثاری را که از آن ها به عنوان تزیین و آرایش معماری نام برده اند برای دنیای غرب نا آشنا و چون Decoration و Ornamental لذت بصری صرف نیست. چنانچه آرتور پوپ<sup>۱</sup> در همین باره تصریح می کند «طرح های زینتی مجرد که به بناهای ایرانی - به ویژه به مسجدهای بزرگ - زینت می بخشد چیزی فراتر از زیبا سازی است.» (پوپ، ۱۳۸۴، ۱۳۶) درک هیل<sup>۱</sup> از دیگر پژوهشگران در این باره بیان می کند: «این تزیینات برای جان بخشیدن به سطح خالی دیوارها ضرورت داشته است.» (هیل، ۱۳۷۵، ۲۱) «این شیوه و اسلوب (تزیین) دارای نوعی هدف زیبایی شناختی نیز بود که سطح دیوار را از لختی و خالی بودن نجات می داد.» (کولن، ۱۳۸۲، ۷)

بنابراین عدم کارایی مفهومی واژه های اتلاقی و ترجمه های ارائه شده برای این آثار سبب گردیده اغلب مولفین آن چنان که در نمونه های مورد اشاره آمد، همواره به دفاع از آثاری برخیزند که خود به آن نسبت Decoration و Ornamental داده بودند. (از این رو آشکار است داوری آثار هنر ایرانی از جمله دیوارنگاری های اصیل آن، بر اساس عدم آشنایی هنر شناسان اروپا و غرب به اصول هنر ایرانی و نیز قضاوت این آثار، با هنر نقاشی (گذشته) اروپا رقم زده شده، نه اصلاتی که هنر ایرانی را به وجود آورده است). این موضوع بسیار با اهمیتی است که می توان به خوبی در جمله ای از تیتوس بوکهارت دریافت نمود: «معیار سنجش یک فرهنگ هنری در بینش اروپایی، توانایی آن در ترسیم طبیعت و حتی بیش از آن، در تصویر انسان است و در مقابل هدف اصلی هنر در بینش اسلامی، توصیف طبیعت و یا تقلید کردن از آن نیست بلکه شکل دادن به محیط است چرا که فعل بشر هرگز با هنر الهی برابر نخواهد بود ... مفاهیم اروپایی و اسلامی هنر، آن قدر متفاوت است که انسان شک می کند اشتراک در کلماتی چون «هنر» و «هنری»، بیش از آن که به تفاهم مدد رسانند موجب سوء تفاهم شود.» (بوکهارت، ۱۳۷۰، ۳۰)

#### تزیین و تزیینات معماری به جای دیوارنگاری

تزیین و تزیینات در این منابع اغلب در دو معنای مجزا از هم به کار رفته است، یکی به مفهوم کلی که به جنبه آراستگی تمام بنا اشاره دارد و دیگری به بیان سبک و روش های هنری که اغلب در این موقعیت به جای واژه

۱- Derek Hill نقاش و پست و هشگر، (پژ و هشی درباره معماری و تزیینات اسلامی انجام داده است)  
۲- david alfaro و siquiros (۱۹۷۴-۱۹۹۶) نقاش، تحلیل گر و نظریه پرداز هنر، از دیدیوارنگاران مشهور مرکزی و از اعضای اصلی جنبش نوین نقاشی دیواری معاصر مرکزی.



گرفته بسیاری از شایستگی‌های هنر دیوارنگاری اصیل ایرانی همواره پوشیده بماند.

### Mural از نظر تطبیق تعریف و مصداق

افزون بر تعاریفی که برای دیوارنگاری مطرح شد، اگر ویژگی‌هایی که سیکه‌ایروس در چند جمله کوتاه برای دیوارنگاری برشمرده را با آثاری که با تزیینات معماری داوری شده مقایسه کنیم، در می‌یابیم اغلب این آثار نه تنها به معنای واقعی Mural هستند، بلکه در قیاس با دیگر نمونه‌هایی که با این تعبیر در جهان مطرح می‌باشند، جایگاه نیکویی دارند. سیکه‌ایروس<sup>۲</sup> در این تعریف بیان می‌کند: «نقاشی دیواری هیچ‌گاه چیزی نبود که به دیوارها اضافه شود. بلکه چیزی بود که در ماهیت ساختمان ادغام شده و با معماری ساختمان، کل واحدی را تشکیل می‌دهد. نقاشی دیواری باید مکمل معماری باشد. نقاشی دیواری خوب آن‌گونه نقاشی که صرفاً بر سطوح دیوار کشیده شده باشد. حتی اگر هم اثری هنری برجسته‌ای باشد، بسیار فرق دارد. (سیکه‌ایروس، ۱۳۶۲، ۸۵) در واقع باید باور داشت دیوارنگاره‌های گنبد مسجد شیخ‌الطف‌الله، مدخل ورودی آن مسجد، محراب اولجایتو، مدخل ورودی مسجد حکیم اصفهان و بسیار آثاری که به ویژه در مساجد بزرگ دوره صفوی کار شده، همانند دیوارنگاره‌های کلیسای سیستین، شام آخر و غیره (تصاویر ۵) هنر دیوارنگاری محسوب می‌شوند و کاشی‌کاری، گچ‌بری، آجرکاری، آئینه‌کاری و نظایر آن، شیوه‌های دیوارنگاری هستند همچون موزاییک، فرسک، تمپرا، انکاستیک و غیره. پس کاشی‌کاری صفویه در ایران همانند فرسک در ایتالیا، هر کدام اشاره به شیوه‌های دیوارنگاری دارند که در دو فرهنگ با شرایط اقلیمی و اجتماعی متفاوت خلق شدند. بنابراین در یک زبان مشترک بین المللی هر دو به عنوان Mural خواهند بود.

به هر حال هنر دیوارنگاری همانند دیگر شاخه‌های هنرهای تجسمی، از دید سبک‌هنری، نوع موضوع و بیان نمایشی اثر و شیوه‌های فنی و اجرایی مصادیق بسیار زیادی را چه در مقاطع و چه در طول تاریخ - به نمایش گذاشته که متأثر از فرهنگ‌ها و شرایط مختلف اجتماعی پدید آمده است. با توجه به این گستره بسیار عظیم و متنوع و نیز توجه به تأثیری که جنبش‌های نو در هنرهای تجسمی و همچنین آثار هنر دیوارنگاری نوین در سراسر جهان گذاشته، باور چنین محدودیت‌هایی برای هنر دیوارنگاری، بسیار ضعیف به نظر می‌رسد. همین مساله اشاره‌ای به جاست تا آشکار سازد سنجش سیر هنر دیوارنگاری ایران پیش از تاریخ تا به امروز با چه کاستی‌هایی مواجه بوده است. بدیهی است توجه به سیر هنر دیوارنگاری تا به امروز تجربه‌های گوناگونی همچون باستانی، سنتی، ترکیبی، متأثر از غرب، نسخه‌برداری و امروزی را در بر خواهد داشت. در این میان از آثار نفیس و ناب هنری گرفته تا حرکت‌های زیرزمینی و نیز آثاری که در هیجان‌های آنی بر سطوح

«دیوارنگاری» معنا می‌دهد و مولف در مقابل استفاده از اصطلاح دیوارنگاری، از ترکیب تزیین، تزیینات معماری و یا واژگانی به این تعبیر استفاده نموده است. برای مثال به جملات زیر توجه کنید:

«از زمان اشکانیان به بعد گچ‌بری‌های کنده‌کاری و رنگارنگ از عوامل مهم تزیینات معماری بوده است. تنوع ابداعات، سبک و حالت این آرایش‌ها در ایران ظاهراً تمام نشدنی بود و از رنگ ساده بدون تزیینات تا رنگ‌های درخشان، از شکل‌های نمادین گل و بوته‌های عظیم که تمام دیوار را می‌پوشاند، تا حشرات کوچک و جذاب حکاکی شده با ظرافت جواهرسازی، از طرح‌های محکم سوراخ‌های بریده- بریده تا طرح خطوط خوش‌حالت و موج را شامل می‌شد.» (پوپ، ۱۳۶۸، ۸۱) «... معمارهای ایرانی در اسلام برای تزیین و آرایش ابنیه خود، کاشی‌های مسطح را به کار برده‌اند و در حقیقت از تزیینات برجسته معماری که ابنیه اروپایی و هندی را سنگین کرده و باری بر آن‌ها شده، خودداری نموده‌اند.» (محمد حسن، ۱۳۲۰، ۵۴)

«در سده دوم هجری پوشاندن رویه بنا به گچ‌بری‌های ظریف و کاشی‌های رنگارنگ در سراسر عالم اسلام معمول شد.» (مرزبان، ۱۳۶۷، ۱۱۷) «... از عناصر عمده‌ای که در زینت‌کاری معماری اسلامی به‌کار رفته، باید گچ‌بری و کاشی‌کاری، معرق، مقرنس‌کاری و کتیبه‌نویسی به انواع خوشنویسی‌ها (به‌خط) نسخ، ثلث، ریحانی، رقع، کوفی و خطوط بنایی را متذکر شد» و «در معماری اسلامی، پس از اجرای استخوان‌بندی بنا، توجه اصلی به تزیین و پرداخت رویه بنا موقوف می‌شد و همین جنبه است که به جلوه‌های گوناگون معماری اسلامی در سرزمین‌های مختلف وحدت می‌بخشد.» (مرزبان، ۱۳۶۷، ۱۲۰) شکوه و زیبایی معماری ایران به ویژه در دوران اسلامی، به تزیین و آرایش آن بستگی دارد. هنرهای والای اسلامی، از هنرهای تزیینی و کاربردی گرفته تا احداث زیباترین بناهای مذهبی، دارای اهمیت و اعتبار ویژه‌ای است. (کیانی، ۱۳۷۶، ۹) «در دوره اسلامی به تدریج هنر کاشی‌کاری همانند آجرکاری و گچ‌کاری با شیوه‌های جدید آغاز گردید و در تمامی ادوار اسلامی به دو علت (آرایش و استحکام بخشی از بنا) کاربرد ویژه‌ای یافت. بسیاری از محققان بر این عقیده‌اند که ایران اولین کشوری است که کاشی‌کاری به عنوان دو عامل یاد شده از آن بهره گرفته است. در ادوار اسلامی بناهای بسیاری مانند مساجد، مدارس، مقابر، کاخ‌ها، حمام‌ها و حتی پل‌ها به یکی از انواع کاشی‌تزیین گردید.» (همان، ۱۳۰)

بنابراین با توجه به نمونه‌های ارائه شده مشخص گردید: ۱- در منابع هنر اسلامی اصطلاح دیوارنگاری و نیز تزیینات معماری محدود به شیوه‌های خاصی است و این موضوع بر خلاف تعاریفی بوده که از این هنرها به دست آمده است. ۲- در بسیاری از موارد، واژه تزیین و اصطلاح تزیینات معماری به‌جای دیوارنگاری استفاده شده و باعث

شهرهای امروز کشیده می‌شود، نمایان است. بنابراین آن که رویکردهای گوناگون هنر دیوارنگاری ایران را در یک  
چه ضروری به نظر می‌رسد شناخت نگاهی اصولی است سامانه تعریف نماید.

## نتیجه

این پژوهش در راستای دفاع از جایگاه هنر دیوارنگاری گذشته ایران (به ویژه دوره اسلامی) انجام شده  
و نتایج زیر به دست آمده است:

۱- بنا بر تعاریف ارائه شده مشخص گردید دو اصطلاح تزیینات معماری و اصطلاح دیوارنگاری در  
تقابل و تعارض هم نبوده بلکه بخشی از اهداف هنر دیوارنگاری توجه به تزیین و آراستن معماری  
است و از جهتی تزیینی بودن، موضوعی برای برخی از آثار دیوارنگاری می‌باشد. ۲- دآوری آثار  
هنر ایرانی از جمله دیوارنگاری‌های اصیل آن، بر اساس اصول پیشین هنر در اروپا و غرب، سنجش و  
قضاوت شده نه اصولی که هنر ایرانی را به وجود آورده است. از این رو این پیامدها را به دنبال داشت:  
الف- هنر دیوارنگاری ایران برخلاف پهنه وسیع و گسترده‌ای که در این حوزه دارد به قصور تنها به  
نوع و روش خاصی محدود و اطلاق شده است. ب- اصطلاح تزیینات معماری بر خلاف این که شامل  
تمام چیزهایی است که به نوعی برای معماری، «تزیین و تزیینی» محسوب می‌شوند اغلب به جای  
هنر دیوارنگاری به کاررفته که تزیینی بودن تنها بخشی از ابعاد هنری این آثار است. ۳- مشخص شد  
کاربرد تزیینات معماری بدون توجه به ماهیت دیوارنگارانه این آثار، کوتاهی است که عاقبت ارزش این  
آثار را به ویژه در عرصه هنر جهانی در مرتبه هنر تزیینی معرفی می‌کند. بر اساس معنا و ویژگی‌های  
دیوارنگاری، که به طور مستقیم بیان گر چنین عملکردی است، این اصطلاح نسبت به اصطلاح تزیینات  
معماری مناسب‌تر و تخصصی‌تر است و می‌تواند ضمن حفظ جایگاه هنری خود به کلیه روش‌های  
دیوارنگاری-اصیل ایرانی- وحدت ببخشد.

## منابع و مأخذ

- اپوپ، آرتور، معماری ایران، ترجمه: صدری افشاری، غلامحسین، انتشارات انزلی، ارومیه، ۱۳۶۶.  
آژند، یعقوب، دیوارنگاری در دوره قاجار، هنرهای تجسمی، شماره ۲۵.  
آشنایی با مکاتب نقاشی فنی و حرفه ای، (گروه تحصیلی هنر)، رشته نقاشی، چاپ و نشر کتاب های  
درسی ایران، ۱۳۸۲.  
حسین و دستیاران، استان اصفهان، زنده دل، نشر ایران گردان، ۱۳۷۷.  
نوربختیار، رضا، اصفهان موزه همیشه زنده، چاپ چهارم، کتابخانه ملی، فروغ دانش، ۱۳۷۲.  
انصاری، مجتبی، تزیین در معماری و هنر ایران، دوره اسلامی با تاکید بر مساجد، مدرس هنر، دوره  
اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۱.  
بورکهارت، تیتوس و سیدحسین نصر، جاودانگی و هنر، ترجمه: آوینی، سیدمحمد، تهران انتشارات  
برگ، ۱۳۷۰.  
پاپادوپولو، الکساندر، معماری اسلامی، ترجمه: دکتر جزنی، حشمت، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ  
اول، ۱۳۶۸.  
پاکباز، رویین، دایره المعارف هنر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۳.  
حق شناس، علی محمد، حسین سامعی، نرگس انتخابی، فرهنگ معاصر انگلیسی- فارسی، چاپ پنجم،  
فرهنگ معاصر، ۱۳۸۴.  
دونیس، ا، داندیس، مبادی سواد بصری، ترجمه: سپهر، مسعود، سروش، تهران ۱۳۶۸.  
زکی، محمدحسن و محمد خلیلی و محمدعلی اقبال، صنایع ایران، ۱۳۲۰.



- سیکه‌ایروس، داویدآلفارو، نگاهی به زندگی و آثار نقاشی مکزیکی داویدآلفاروسیکه‌ایروس، ترجمه: شبانفر، فریده، نشر دنیای نو، تهران، ۱۳۶۲.
- سیدصدر، ابوالقاسم، دایره‌المعارف هنر، انتشارات سیمای دانش، تهران، ۱۳۸۳.
- علوی‌نژاد، سیدمحسن، بررسی مفهوم دیوارنگاری در منابع هنر اسلامی، نگره، دانشگاه شاهد، ۱۳۸۷.
- فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی به فارسی) ترجمه المنجد، مولف (مترجم) احمدسیاح، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۸۷.
- کفشچیان مقدم، اصغر، بررسی ویژگی‌های نقاشی دیواری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۰، زمستان، ۱۳۸۳.
- کیانی، محمدیوسف، تزیینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۶.
- کونل، ارنست، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه: آژند، یعقوب، انتشارات مولی، ۱۳۸۳.
- مرزبان، پرویز، خلاصه تاریخ هنر، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۵.

Britannica- Macr, The Dictionary of Art, Editor Jane Turner, in thirty four volumes.,Grove,s Dictionaries inc. New York, 1996 .

The Thames & Hudson Dictionary of Art &Artist, By Thames &Hudson Ltd,London,1985.

Wikipedia the free encyclopedia.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی